

((زندگی))

بابک یحیوی

تقدیم به زنده دلان آزادیخواه

زندگانی ، شاید
برکه آبی باشد،
در بیابانی خشک
یا سرابی که از دور،
همچو دریائی آب ،
رهگذاری را ،
می نشیند در چشم.

**

زندگی شاید ،
قطره اشکی باشد،
که بدون پاداش ،
از رخ کودک بی بال و پری
برگیری!
یا که برقی باشد ، از شوق
در نگاهی مشعوف،
که ترا،
می نشاند بر امواج!

و شاید هم
تندری باشد ،
که از نگاه اعدامی ،
جوخه ی آتش را
می نشیند در دل!

زندگی شاید ،
خیل مزدوری باشد،
جیره خواری نادان
والی چوپانی را،
به ((ولایت)) معروف،
در کف ابزاری
بهر ترس و کشتار !
و شاید هم ،

مردمی عاصی را
بی سلاح و بی برگ،
که ندارد در دست،
هیچ ؛

جز مشت و دهانی فریاد
اما عزمی جزم،

تا بروبد از میهن
خیل گفتاران ،
و بگوید بر این خاک
میخ آزادی!

استر، ۱۱ دیماه ۱۳۸۸

yahyavibabak@yahoo.fr